

# اصلاح ساختار اقتصاد کشور

## و اصلاح ساختار حرفه لازم‌های

### افزایش ضریب نفوذ حسابرسی است



منصور شمس احمدی

ناترازی بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، انرژی و غیره به هیچ‌وجه به گزارش حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی ارتباطی ندارد، لذا طرح ارتباط بین ناترازی‌ها، اختلاس‌های ناشی از رانت و سوءمدیریت‌ها، فاصله بین توانایی‌ها و مسئولیت‌های حسابرسان را با انتظارات استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابرسی صورت‌های مالی افزایش می‌دهد.

ارزیابی عملکرد مدیریت چه در بخش خصوص و چه در بخش عمومی، موضوع حسابرسی عملیاتی (حسابرسی عملکرد مدیریت، حسابرسی مدیریت) است که بحث مفصلی است و به نظر من در حال حاضر تقاضایی برای این‌گونه حسابرسی وجود ندارد.

حرفه‌ی حسابرسی ظرفیت‌هایی دارد که می‌تواند بر نظارت فعالیت‌های عملیاتی بنگاه‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها مؤثر باشد. شاید حدود بیست سال باشد که در جاهای مختلف از جمله دوبار در بانک مرکزی در خصوص گزارش حسابرسان نسبت به مصرف تسهیلات مالی به این موضوع اشاره کرده‌ام، اما متأسفانه پاسخ مناسبی دریافت نکرده‌ام. حسابرسان می‌توانند در گزارش‌های سه ماهه، نسبت به چگونگی مصرف وام‌ها در رابطه با موضوع تسهیلات اظهارنظر کنند. لازم به ذکر است که این رسیدگی ارتباطی به اعتبارسنجی توسط بانک‌ها ندارد. حسابرس صرفاً نسبت به نحوه‌ی مصرف وجوه دریافتی از بانک اظهارنظر می‌کند. همین خدمت را می‌توانیم در خصوص نحوه‌ی مصرف ارزهای ترجیحی انجام دهیم.

همه‌ی این‌ها، علاوه بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور مستلزم ساختار حرفه‌ای مناسب است. ساختاری شامل یک حرفه‌ی مستقل که خود اعضایش را پذیرش کند، بر آموزش و فعالیت‌های اعضا نظارت داشته و از منافع حرفه‌ای اعضا حمایت کند و یک نهاد ناظر و نه مداخله‌گر که بر کیفیت کار حسابرسان در شرکت‌هایی که منافع عمومی مطرح است نظارت کند. نبود چنین ساختاری، ریسک سرمایه‌گذاری در کشور را افزایش خواهد داد.

اجازه بدهید در ابتدا تعریفی از ضریب نفوذ حسابرسی داشته باشیم.

اگر منظور از افزایش این ضریب گسترش تعداد واحدهای مشمول حسابرسی مالی باشد، این امر باتوجه به ظرفیت موجود مؤسسات حسابرسی تحقق یافته است. شرکت‌های با فروش بیش از ۳۰ میلیارد تومان و با دارایی‌های بیش از ۵۰ میلیارد تومان مشمول حسابرسی شده‌اند.

توزیع کارها، اما مناسب نیست. شرکت‌های بزرگ توسط دو مؤسسه دولتی و شرکت‌های کوچک عمدتاً توسط مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی حسابرسی می‌شوند. در حال حاضر ارجاع حسابرسی شرکت‌های دولتی توسط کارگروه انتخاب حسابرس در وزارت اقتصادی و دارایی انجام می‌شود که به نظر در شرایط موجود روش مناسبی است.

انجام بخشی از وظایف دیوان محاسبات کشور به اعضای جامعه حسابداران رسمی، شاید چند سال پیش تحت شرایطی امکان پذیر بود، اکنون، اما به دلیل کمبود نیروی انسانی در مؤسسات حسابرسی انجام این وظایف توسط مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی بسیار مشکل و عملاً غیر ممکن است.

اگر منظور از ضریب نفوذ حسابرسی، استفاده از گزارش‌های حسابرسان باشد، این گزارش‌ها به غیر از مبنایی برای تصویب صورت‌های مالی و تقسیم سود، نقش مؤثر دیگری نداشته‌اند.

اقتصاد کشور ما انحصارمحور است و در این‌گونه اقتصادها، به دلیل نبود رقابت، تصمیم‌گیری‌های مالی براساس اطلاعات قابل‌اتکا خریداری ندارد. عملکرد مدیریت چه در بخش دولتی و چه در بخش‌های خصوصی و در برخی موارد بخش خصوصی عمدتاً ناشی از تورم و بعضاً رانت است. به عبارتی تورم آثار منفی ناشی از سوءمدیریت را پوشش می‌دهد و عدم استفاده بهینه از منابع شرکت را نادیده می‌گیرد.